



## دولت های عربی و تنش شیعی - سنی

پدیدآورده (ها) : اسدی، علی اکبر

علوم سیاسی :: پژوهش نامه سیاست خارجی :: اردیبهشت 1388 -

شماره 21

از 83 تا 98

آدرس ثابت :

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/911606>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 28/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از این قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

# دولت‌های عربی و تنش شیعی - سنی

علی اکبر اسدی\*



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

---

\* پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک.



## چکیده

تنش‌ها و رقابت‌های شیعی - سنی در نتیجه تحولات بعد از جنگ عراق، از جمله دستیابی گروه‌های شیعی عراق به قدرت سیاسی و مقاومت حزب‌الله در مقابل اسرائیل در جنگ سی‌وسه روزه در سال ۲۰۰۶، برجستگی خاصی را نشان می‌دهد. اما این تنش‌ها با منافع و رویکرد سیاست خارجی بخش عمده‌ای از دولت‌های اقتدارگرای عرب منطقه نیز در ارتباط است. در این مقاله به نگرانی این دولت‌ها از شکل‌گیری الگوهای جدید سیاسی ناشی از تحولات جهان شیعی از جمله دولت - ملت‌سازی دموکراتیک در عراق و الگوی مقاومت غیردولتی در لبنان و همچنین رویکردهای آنها در این خصوص پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شیعه، سنی، دولت‌های عربی، عراق، لبنان.

## مقدمه

رقابت‌ها و تنش‌های شیعی - سنی به یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست منطقه‌ای در خاورمیانه تبدیل شده است. این مسئله که در شکل و سطح کنونی آن بعد از تغییر رژیم در عراق آغاز شد و به واسطه بحران لبنان گسترش یافت، با منافع و سیاست خارجی بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه در ارتباط است. نوشتار حاضر به بررسی رویکرد دولت‌های اقتدارگرای عربی منطقه در قبال رقابت‌ها و تنش شیعی - سنی و ارتباط این مسئله با منافع و سیاست خارجی آنها می‌پردازد.

### ۱. شرایط گذشته

هرچند تاریخ اختلافات شیعی - سنی به صدر اسلام برمی‌گردد، اما در تاریخ جدید خاورمیانه یعنی از زمان زوال امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری دولت‌های نوپای عربی تا زمان فروپاشی رژیم بعث عراق در سال ۲۰۰۳، روابط شیعی و سنی و چگونگی تأثیرگذاری آن بر الگوها و تعاملات سیاسی نسبتاً یکسان و پایدار بوده است. در طول دهه‌های گذشته عنصر شیعی در سیاست منطقه بسیار کم‌رنگ بوده و به ویژه در جهان عرب اقلیت‌های شیعی و حتی در کشورهایی چون عراق و بحرین اکثریت شیعی، تحت حاکمیت و کنترل رهبران سنی مذهب عربی قرار

داشته‌اند و الگوی مطرح نیز ملی‌گرایی عربی بوده است. این امر باعث شد تا شیعیان نتوانند به‌عنوان یک گروه مذهبی - سیاسی بر معادلات قدرت و الگوهای سیاسی در منطقه تأثیرگذار باشند، به گونه‌ای که گراهام فولر در کتاب خود از شیعیان جهان عرب به‌عنوان مسلمانان فراموش شده یاد می‌کند و بر محرومیت آنها از حقوق سیاسی - اجتماعی تأکید می‌کند.<sup>(۱)</sup>

وقوع انقلاب اسلامی ایران و فعال شدن جنبش‌های اسلامی شیعی (حزب‌الله) در جهان عرب، در اواخر دهه ۱۹۷۰، باعث پرننگ‌تر شدن عنصر مذهب و به تبع آن عنصر شیعی در خاورمیانه شد. اما با وجود این، واکنش حاکمیت‌های اقتدارگرای جهان عرب در مقابل انقلاب اسلامی، به ویژه با اعمال کنترل و فشار بر جمهوری اسلامی ایران از طریق جنگ عراق با ایران و حمایت اکثریت کشورهای عربی از عراق در این جنگ، مانع از فعال شدن عنصر شیعی در منطقه و تأثیرگذاری آن بر معادلات منطقه‌ای شد. از این رو شرایط اصلی در دوره قبل از سال ۲۰۰۳، حاکمیت دولت‌های اقتدارگرای سنی عرب، عدم تأثیرگذاری شیعیان عرب در سیاست منطقه و نیز وجود دولتی اسلامی با ماهیت شیعی در ایران بوده است. بر این اساس، رقابت شیعی - سنی و تنش‌های ناشی از آن به شکل کنونی در منطقه وجود نداشته است و شاید تنها در قالب چهارچوب‌های بزرگ‌تر مانند رقابت ایرانی - عربی حیات داشته است.

## ۲. فعال شدن عنصر شیعی در منطقه

با فروپاشی رژیم عمدتاً سنی بعث در عراق و تشکیل دولت تحت تسلط

شیعیان در این کشور در سال ۲۰۰۳، و همچنین بحران لبنان در سال ۲۰۰۶ و نمایش قدرت گروه شیعی حزب‌الله، عنصر شیعی و تأثیرگذاری آن بر معادلات منطقه‌ای به یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست در خاورمیانه تبدیل شد. این مسئله که مقاومت و واکنش گروه‌ها و دولت‌های عرب سنی منطقه را در پی داشته است، باعث شکل‌گیری رقابت و منازعات فرقه‌ای قدرت و تنش‌های فزاینده شیعی - سنی شده است.

شیعیان عراق از ابتدای ایجاد عراق از مشارکت مؤثر در ساختار قدرت در این کشور محروم بودند و عمدتاً براساس ایدئولوژی پان عربیستی دولت‌های گذشته مورد سرکوب قرار داشتند. از این رو، هویت عراق در عرصه منطقه‌ای و جهانی ماهیتی عربی - سنی داشت و دولت عراق همواره از دولت‌های پیشرو عربی محسوب می‌شد. تلاش دولت‌های عراق قبل از سال ۲۰۰۳، برای تأکید بر این شکل از هویت و ساختار سیاسی در عراق، عمدتاً در جهت ایجاد انحصار سیاسی و تداوم حیات حکومت اقتدارگرای سنی صورت می‌گرفت و این امر مانع ظهور عناصر شیعی جامعه عراق که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند، در عرصه سیاست داخلی و انعکاس پیامدهای آن در عرصه منطقه‌ای شد.

اشغال عراق توسط امریکا باعث مشارکت گروه‌های شیعی عراق در ساختار قدرت جدید و ایجاد دولت تحت تسلط شیعیان در این کشور شد، این تحول به تشکیل اولین دولت با اکثریت شیعی عربی در تاریخ مدرن خاورمیانه منجر شد. بر این اساس، هویت عراق از مبانی عربی - سنی به هویتی جدید با مشارکت فزاینده عنصر شیعی و کرد تغییر کرد و

در نتیجه کارکردهای نوینی پیدا نمود که در عرصه سیاست منطقه‌ای دارای تأثیرات و پیامدهای عمده‌ای بوده است.

قدرت‌یابی شیعیان در عراق از منظر سیاست داخلی باعث مقاومت فزاینده اقلیت سنی در برابر ساختار سیاسی جدید و فعالیت‌های خشونت‌آمیز گروه‌های شورشی سنی علیه شیعیان و دولت شد. راهبرد اولیه رهبران سیاسی و مذهبی شیعی عراق در قبال خشونت‌های گروه‌های شورشی، صبر و مقاومت و عدم توسل به اقدامات خشونت‌آمیز متقابل به منظور جلوگیری از شکل‌گیری جنگ فرقه‌ای در این کشور بود، اما با تشدید کشتار شیعیان و اقداماتی چون بمب‌گذاری در سامرا، کنترل رهبران بر توده‌های شیعی کاهش و خشونت‌های فرقه‌ای در این کشور افزایش یافت.<sup>(۳)</sup>

تحول دیگری که به فعال شدن عنصر شیعی و تأثیرگذاری عمده آن بر معادلات منطقه‌ای منجر شد، بحران لبنان و نقش‌آفرینی گروه شیعی حزب‌الله در مقابل اسرائیل در سال ۲۰۰۶ و تحولات داخلی این کشور است. حزب‌الله لبنان با نمایش قدرت و مقاومت در برابر اسرائیل طی جنگ سی و سه روزه باعث شد که اسرائیل برای اولین بار در جنگ‌های خود با جهان عرب نتواند به پیروزی دست یابد. این امر به همراه تلاش گروه‌های شیعی لبنان و برخی گروه‌های دیگر برای کسب سهم بیشتری از قدرت در ساختار سیاسی این کشور به رقابت‌ها و تنش شیعی - سنی در سطح منطقه دامن زد و در نتیجه تغییراتی در معادلات خاورمیانه به وقوع پیوست که تجدیدنظر کشورهای عربی و غرب در استراتژی خود در منطقه را در پی داشت.

### ۳. رویکرد و منافع دولت‌های عربی

فعال شدن عنصر شیعی در منطقه در سال‌های اخیر و ایجاد تصویر افزایش قدرت منطقه‌ای شیعیان در نتیجه تحولات عراق و لبنان، تشدید رقابت‌های شیعی - سنی و تنش‌های پیرامون آن با منافع و رویکردهای سیاست خارجی بخش عمده‌ای از بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی در ارتباط است. در خصوص کشورهای عربی یکی از موضوعات اساسی قابل طرح این است که رویکرد و منافع دولت‌های اقتدارگرای عربی در قبال تحولات جهان شیعی و به ویژه رقابت‌ها و تنش‌های شیعی - سنی در منطقه در سال‌های اخیر چه بوده و چه متغیرهایی بر جهت‌گیری‌های این دولت‌ها در این خصوص تأثیرگذار می‌باشند؟

نکته مهم و قابل توجه در مورد تبیین رقابت‌ها و تنش‌های شیعی - سنی کنونی در خاورمیانه این است که منشأ منازعات شیعی - سنی تفاوت‌های اعتقادی یا فرقه‌ای واقعی نیست، بلکه این منازعات برای کسب قدرت سیاسی و منافع عینی در شرایط جدید بین جوامع رقیب روی داده است. از این رو، در مقطع کنونی، تنش شیعی - سنی در وهله اول در مناطق و کشورهایی مشاهده می‌شود که جوامع شیعی و سنی در مجاورت و یا نزدیک یکدیگر زندگی می‌کنند و در کشوری مانند عراق، این تنش‌ها به دلیل کاهش شدید قدرت سنی‌ها و مقاومت آنها در قبال ساختار سیاسی جدید بسیار مشهود می‌باشد. بر این اساس، تنش شیعی - سنی در کشورهای دارای اقلیت مهم شیعی جدی‌تر و در کشورهای دارای بافت جمعیت عمدتاً سنی چون مصر و اردن کم اهمیت‌تر است.<sup>(۳)</sup>



به رغم آغاز رقابت‌ها و تنش شیعی - سنی از عراق بعد از سال ۲۰۰۵، و وخیم‌تر شدن آن در کشورهای چون عراق و لبنان، اکنون این رقابت به مسئله‌ای منطقه‌ای تبدیل شده و روابط، تعاملات و سیاست خارجی بخش عمده‌ای از کشورهای خاورمیانه را تحت تأثیر خود قرار داده است. قدرت‌یابی شیعیان در منطقه و مقاومت جوامع و دولت‌های عرب سنی در مقابل این امر و در نتیجه رقابت‌ها و تنش شیعی و سنی، زمینه‌ها و متغیرهای سیاست‌گذاری دولت‌های اقتدارگرای عربی را در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحت‌الشعاع قرار داده و مقاومت و مخالفت این دولت‌ها در قبال جوامع شیعی را باعث شده است.



### ۱-۳. سطح داخلی

در سطح داخلی، ساختار قدرت و منافع دولت‌های اقتدارگرای عرب و رابطه بین دولت و جامعه و در نتیجه تأثیرگذاری و تهدیدات ناشی از تحولات سیاسی گروه‌های شیعی منطقه بر این ساختار، رفتارها و سیاست‌های این دولت‌ها در قبال مسائل رقابت‌های شیعی - سنی را توضیح می‌دهد. ساختار قدرت و نظام سیاسی در کشورهای عربی از منظر رابطه بین دولت، گروه‌ها و احزاب سیاسی جامعه و نیز میزان مشارکت آنها در عرصه قدرت، شباهت‌های بسیاری دارد. در این کشورها حاکمیت به‌عنوانی گروهی بسته و محدود قدرت سیاسی را در اختیار دارد و از مشارکت احزاب و گروه‌ها در ساختار قدرت جلوگیری می‌کند. برای نمونه، در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس چون عربستان سعودی، خاندان حاکم در حال تقویت نسخه مورد نظر خود از

مفهوم شهروندی است و بیشتر آن را به حوزه اجتماعی و اقتصادی مرتبط می‌سازد و از ابعاد سیاسی آن دوری می‌جوید. در تعریف رسمی این دولت‌ها از شهروندی ویژگی‌ها و عناصر سیاسی شهروندی، وجود ندارد. رژیم‌ها ابعاد سیاسی شهروندی را به واسطه گرایش مردم به سوی ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن نادیده گرفته و بی‌ارزش جلوه می‌دهند.<sup>(۳)</sup>

با توجه به ساختار قدرت یاد شده، به نظر می‌رسد تحولات جهان شیعی به ویژه در عراق و لبنان در حال ایجاد الگوهای نوینی از ساختار و مشارکت سیاسی باشد که روابط دولت و جامعه در کشورهای عربی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دولت - ملت‌سازی دموکراتیک در عراق جدید و در نتیجه مشارکت اکثریت شیعی در ساختار قدرت به‌عنوان تحولی تاریخی و نیز مطرح شدن گروه حزب‌الله در لبنان به‌عنوان الگویی برای کنترل امور و تعیین حق سرنوشت، می‌توانند چالش‌هایی را برای ساختارهای اقتدارگرایانه دولت‌های عربی و مواجهه آنها با گروه‌های داخلی ایجاد کنند.

دولت - ملت‌سازی دموکراتیک در عراق باعث افزایش مطالبات جوامع شیعی کشورهای عربی برای دستیابی به حقوق سیاسی - اجتماعی شده است. این امر در میان شیعیان عربستان و بحرین نمود بیشتری داشته است. اعلامیه چهارصدوپنجاه تن از شیعیان سعودی، از گروه‌های سیاسی مختلف و تأکید بر لزوم توجه به مشکلات کنونی جامعه شیعه و ضرورت تغییرات گسترده به منظور پایان دادن به تبعیض، اعطای آزادی بیشتر برای انجام مراسم عبادی و آزادی بیان، گسترش فرصت‌های سیاسی برای شیعیان و کاهش خصومت فرقه‌ای از گام‌های اولیه شیعیان

برای کسب امتیازات بیشتر در پرتو تحولات جدید منطقه‌ای است.<sup>(۵)</sup> دموکراسی‌سازی در عراق باعث شد تا شیعیان عربستان در مقابل دولت، تقاضاهای عمده‌ای را مطرح سازند و سعی رهبران شیعی چون حسن‌الصفار بر این بوده است که حقوق سیاسی و اجتماعی شیعیان با تأکید بر وفاداری به نظام سیاسی سعودی و در قالب مبانی دموکراتیک مبتنی بر حقوق شهروندی مطالبه شود. از این‌رو به رغم رنگ و بوی فرقه‌ای مطالبات شیعی در عربستان، تأکید اصلی بر ایفای حقوق سیاسی - اجتماعی بر مبنای الزامات شهروندی در یک جامعه دموکراتیک در مقابل دولت است. تحولات بحرین و افزایش نقش و قدرت هرچند ناچیز شیعیان در این کشور، در پرتو نتایج انتخابات پارلمانی اخیر، نشانه‌ای دیگر از تأثیرگذاری الگوی دولت - ملت‌سازی دموکراتیک در عراق تلقی می‌شود. هرچند الگوی عراق بیشتر بر شیعیان منطقه تأثیر داشته است، اما این الگو می‌تواند در دراز مدت به تحولاتی چشمگیر در روابط دولت با تمامی گروه‌های سیاسی - اجتماعی منجر شود.

تحولات لبنان و فعالیت شیعیان در این کشور نیز الگویی ارائه می‌دهد که خطرات و تهدیدات خاص خود را برای حاکمیت‌های اقتدارگرای عربی و شیوه‌های کشورداری آنها به‌دنبال دارد. این الگو با وجود داشتن تشابهاتی با الگوی عراق دارای ابعاد وسیع و ریشه‌های تاریخی است. به اعتقاد برخی، حزب‌الله لبنان محصول دو روند مهم تاریخی خاورمیانه یعنی مقاومت در برابر هژمونی غرب و مقاومت اقلیت‌های داخلی در برابر نظام‌های سیاسی حاکم است. از این منظر، الگوی شیعیان لبنان نشان دهنده تأثیرات گروه‌های داخلی بر عرصه سیاست خارجی از

یک سو و طرح ال‌ترناتیوی جدید برای مقاومت در مقابل سیاست شیعیان حزب‌الله است که می‌تواند تهدیدی جدی برای دولت‌های اقتدارگرای عربی باشد.<sup>(۶)</sup> در مجموع، تأثیرات ناشی از روندهای شیعی در منطقه و الگوهای جدید ارائه شده توسط آنها به دلیل تهدیدآفرینی برای دولت‌های اقتدارگرای عرب، تنش شیعی - سنی را افزایش داده است.

### ۳-۲. سطح منطقه‌ای

بعد منطقه‌ای قدرت‌یابی و فعالیت‌های سیاسی شیعیان و تنش شیعی - سنی به تحولات در حال وقوع در نظم و توازن قدرت منطقه‌ای در نتیجه شرایط جدید مربوط می‌شود. به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و تأثیرگذاری فزاینده حزب‌الله لبنان بر معادلات منطقه‌ای باعث شد تا توازن قدرت سنتی در منطقه برهم بخورد و شیعیان به عاملی مهم در خاورمیانه تبدیل شوند. تسلط شیعیان بر ساختار سیاسی نوین باعث تغییر هویت عربی - سنی این کشور به هویتی عمدتاً عربی - شیعی با حاشیه کردی شد. مخالفت داخلی و منطقه‌ای با شیعیان عراق و بیگانگی شیعیان در جهان عرب، گرایش گروه‌های شیعی به سوی ایران را در پی داشت و این امر باعث هراس دولت‌های عربی از اتحاد استراتژیک احتمالی بین ایران و عراق شد.

جنگ سی و سه روزه لبنان و نمایش قدرت حزب‌الله در مقابل اسرائیل نشانه‌ای دیگر از تغییر معادلات قدرت منطقه‌ای به نفع شیعیان و ایران تلقی شد و به واکنش‌های شدیدتر و هماهنگ‌تر دولت‌های عربی برای جلوگیری از شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای منجر شد. به رغم جهت‌گیری روشن ضد غربی حزب‌الله و عدم تأکید بر ابعاد فرقه‌ای از

سوی این گروه و همچنین حمایت توده‌های عرب از اقدامات آن، تبلیغات و اقدامات ضد شیعی افزایش یافت و تشدید تنش شیعی - سنی، به‌عنوان راهکاری برای تحریک مقاومت عربی - سنی در قبال شیعیان و در نتیجه جلوگیری از برهم خوردن موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع شیعیان مدنظر قرار گرفت.

### ۳-۳. سطح بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، گرایش‌ها و روندهای سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا طی چند سال گذشته برای تشدید تنش شیعی - سنی در سطح منطقه و اقدامات و رویکرد دولت‌های عربی در این خصوص عاملی تعیین‌کننده بوده است. آمریکا در ابتدای اشغال عراق به منظور سرکوب شورشیان سنی همراهی با گروه‌های شیعی را محور اصلی استراتژی خود قرار داد، اما سال ۲۰۰۶ شاهد تحولاتی در استراتژی آمریکا در قبال شیعیان عراق و تمامی منطقه بود که پیامدهای مهمی را برای دولت‌های عربی در پی داشت.

سیاست واشنگتن برای حمایت از سنی‌های عراق و دوری از شیعیان در قالب‌هایی چون پررنگ ساختن تهدید شبه نظامیان شیعی، تأکید بر عضویت بعضی‌های سابق در ساختار سیاسی جدید و پافشاری بر طرح دولت وحدت ملی در جهت افزایش سهم سنی‌ها از قدرت، همگی از تغییر استراتژی آمریکا در عراق و روابط آن با شیعیان در سال ۲۰۰۶ حکایت می‌کرد.<sup>(۳)</sup> این تغییر که به دلایلی چون عدم پیشرفت روند سیاسی عراق براساس برنامه‌های آمریکا صورت گرفت، با نمایش قدرت حزب الله در جنگ سی و سه روز همراه شد و مقامات آمریکا را به این

نتیجه رساند که شیعیان منطقه نسبت به سنی‌ها تهدیدی فوری‌تر و جدی‌تر برای منافع امریکا می‌باشند. این فهم جدید امریکایی‌ها از تحولات خاورمیانه، آنها را به سوی همگرایی بیشتر با دولت‌های میانه‌رو عربی برای مقابله با تهدید مشترک شیعی رهنمون ساخت.

سیاست جدید همگرایی امریکا با دولت‌های عربی منطقه در مقابل شیعیان که در قالب استراتژی جدید امریکا در عراق نمود یافت، دارای الزامات و جهت‌گیری‌هایی است که زمینه را برای تشدید بیشتر منازعه شیعی - سنی مهیا می‌سازد. عدم پافشاری امریکایی‌ها بر دموکراسی‌سازی در کشورهای عربی در چهارچوب طرح پیشین خاورمیانه بزرگ و ایفای نقش فعال‌تر در حل منازعه اعراب - اسرائیل به‌عنوان پوشش سیاسی همکاری اعراب با امریکا از جمله الزامات و محورهایی است که به منظور انزوای بیشتر شیعیان به همراه تشدید تنش شیعی - سنی مورد توجه قرار گرفته است.<sup>(۸)</sup>

### نتیجه‌گیری

فعال شدن عنصر شیعی و افزایش قدرت شیعیان در خاورمیانه طی سال‌های اخیر، سر منشأ تحولات عمده‌ای بوده که به تشدید تنش و رقابت شیعی - سنی در منطقه منجر شده است. فعالیت گروه‌های شیعی و طرح الگوهای جدید از سوی آنها، بر هم خوردن رابطه دولت و جامعه و شکل‌گیری تهدیداتی برای دولت‌های اقتدارگرای عربی، بر هم خوردن نسبی توازن قدرت منطقه‌ای به زیان این دولت‌ها و همچنین نزدیکی آنها با امریکا در مقابل تهدید مشترک یعنی شیعیان را در پی داشته است.

هرچند منازعه قدرت عامل اصلی تنش شیعی - سنی در منطقه می‌باشد، اما به نظر می‌رسد دولت‌های عربی افزایش این تنش را به شیوه‌ای برای جلوگیری از مخاطرات ناشی از قدرت‌یابی منطقه‌ای شیعیان تلقی می‌کنند. تشدید تنش شیعی - سنی از تقویت الگوی دولت - ملت‌سازی دموکراتیک در عراق و الگوی مقاومت حزب‌الله در منطقه جلوگیری می‌کند و شکاف شیعی - سنی را برای جوامع عربی در اولویت قرار خواهد داد. در بعد منطقه‌ای نیز تشدید این تنش به اعمال فشار بیشتر بر گروه‌های شیعی و کاهش توانایی برای تأثیرگذاری بر محیط استراتژیک خود از سوی گروه‌های شیعی و جمهوری اسلامی ایران منجر خواهد شد و این امر در معادلات منطقه‌ای قدرت به نفع دولت‌های عربی خواهد بود. در سطح بین‌المللی نیز فهم امریکا از تهدید فوری و جدی شیعی برای منافع غرب، همکاری با دولت‌های عربی و در نتیجه افزایش تنش شیعی - سنی را تقویت می‌کند.

از آنجا که تشدید تنش شیعی - سنی محدودیت‌ها و تنگناهایی عمده برای جوامع شیعی و جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایجاد می‌کند، توجه به ریشه‌ها و مبانی شکل‌گیری و تشدید این تنش و منافع و ملاحظات دولت‌های عربی در این خصوص، در جهت اعمال سیاست‌هایی صحیح برای حل و فصل این معضل ضروری است.

در این راستا، پرداختن به نگرانی‌های امنیتی و منفعتی دولت‌های عربی و تلاش برای کاهش این نگرانی‌ها از طریق عملکرد صحیح جوامع شیعی و همچنین انجام اقداماتی برای ممانعت از تأثیرگذاری مؤلفه‌های بین‌المللی در جهت تشدید این تنش می‌تواند کارساز باشد.

## پی‌نوشت‌ها

1. Graham E. Fuller and Rend Rahim Francke, The Forgotten Muslims, Macmilan Presse, 199.
2. Vali R. Nasr, Prepared Testimony before the Senate Committee on Foreign Relations, [www.CFR.org](http://www.CFR.org) January 17, 2007.
3. Graham E.Fuller, The Hizballah – Iran Connection: Model for Sunni Resistance, Washington Quarterly, Winter 2006 – 2007, p. 145.
4. Gwen Okruhlik, The Irony of Islah (Reform), Washington Quarterly, Autumn 2005, pp. 153 – 168.
۵. گروه بحران بین‌المللی، «شیعه در عربستان سعودی»، ترجمه پرویز ولی‌پور، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴، ص ص ۲۱۰ و ۲۱۱.
6. Fuller, op.cit, pp. 141, 142.
7. Nasr, op.cit.
8. Gary G.Sick, Alliance against Iran, [www.CFR.org](http://www.CFR.org). January 23, 2007.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی